

توسعه صنایع دستی ضرورت پایداری توسعه و توسعه‌ی پایدار

نشمیل افشارزاده^۱، عبدالحمید پاپ‌زن^۲، رضوان قمبرعلی^۳، خدیجه مرادی^۴

۱- دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی دانشگاه رازی

۲- دانشیار گروه ترویج و توسعه روستایی دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی

۳- توسعه کشاورزی دانشگاه رازی دانشجوی دکتری

۴- دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی دانشگاه رازی

چکیده

صنایع دستی ایران، به عنوان صنعتی مستقل و بومی و شاخص‌ترین هنر کاربردی ایران، ریشه‌های عمیق و استوار در فرهنگ غنی و بارور ایران اسلامی داشته است. به نظر می‌رسد با حفظ و نگهداشت این هنر دیرینه پیشینان و با ایجاد تحولاتی مثبت در جهت امروزی‌تر کردن آن و هدایت در جهت تامین نیازهای بازار می‌توان امید داشت این هنر-صنعت بتواند در راستای پایداری اقتصادی که خود در همپوندی کامل با ابعاد دیگر پایداری نظیر پایداری اجتماعی و اقتصادی قرار دارد بتواند به معیشت پایدار خانوارهای مرتبط با این بخش یاری رساند. مطالعه حاضر که با روش کتابخانه‌ای انجام پذیرفته سعی در بررسی ضرورت و اهمیت توسعه صنایع دستی و نقش آن در پایداری توسعه داشت. نتایج نشان داد صنایع دستی از این منظر عدم نیاز به صنایع و مواد اولیه‌ی خارجی، عدم نیاز به نیروی متخصص خارجی، عدم نیاز به سرمایه‌گذاری زیاد و... می‌تواند در ارتقا سطح کمی و کیفی زندگی خانوار مثر ثمر باشد.

واژگان کلیدی: صنایع دستی، پایداری، توسعه.

۱- مقدمه

صنایع دستی بیانگر صنعت و هنر نیاکان و نشان دهنده ی ذوق و هنر مردم هر منطقه از یک کشور است. در روزگاران گذشته صنایع دستی پیوندی عمیق با زندگی روزمره ی مردم داشته است. در دوره ای که انسان زندگی ماشینی را تجربه نکرده بود، این صنایع دستی بود که حامی تمام استعدادها، ذوق، سلیقه و آفرینش های سازندگی بشر بود. امروزه با نگاه به صنایع دستی هر قوم و قبیله ای به روشنی می توان دریافت که آن قوم چه مرحله ای از صنعتگری را تجربه کرده و اکنون در چه جایگاهی قرار دارد. استعداد و روحیه ی خلاق و قدرت ابتکار صنعتگران در کنار عواملی مانند: شرایط اقلیمی و محیطی، مواد اولیه، شرایط زندگی و علاقه ی انسان های گذشته به تولید آثار هنری موجب شده است که کشور ما از گذشته های بسیار دور تا حال همواره در تولید صنایع دستی موقعیتی ویژه و ممتاز داشته باشد (پاپ زن و همکاران، ۱۳۹۰). به نظر می رسد با حفظ و نگهداشت این هنر دیرینه پیشینان و با ایجاد تحولاتی مثبت در جهت امروزینه کردن آن و هدایت در جهت تامین نیازهای بازار می توان امید داشت این هنر-صنعت بتواند در راستای پایداری اقتصادی که خود در همپوندی کامل با ابعاد دیگر پایداری نظیر پایداری اجتماعی و اقتصادی قرار دارد بتواند به معیشت پایدار خانوارهای مرتبط با این بخش یاری رساند.

صنایع دستی (Handi Crafts)

بر اساس مطالعات صورت گرفته، صنایع دستی، از جنبه های مختلفی قابل بررسی است. برای پی بردن به نقش و جایگاه صنایع دستی، در ابتدا باید تعریف دقیق و مشخصی از آن ارائه داد.

اگرچه با توجه به خصوصیات و ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صنایع دستی، شاید نتوان تعریف دقیق و پذیرفتنی از سوی همه ی صاحبان ذوق و اندیشه برای صنایع دستی ارائه داد، اما از میان تعریف های گوناگونی که تاکنون از این «هنر-صنعت» ارائه شده، در سال ۱۳۴۸ از طرف شورای صنایع دستی ایران چنین خوانده شد: «صنایع دستی به آن رشته از صنایع اطلاق می شود که تمام یا قسمتی از مراحل ساخت فرآورده های آن با دست انجام گرفته و در چهارچوب فرهنگ و بینش های فلسفی و ذوق و هنر انسان های هر منطقه با توجه به میراث های قومی آنان ساخته و پرداخته می شود»؛ و در سال ۱۳۶۲ گروهی از کارشناسان سازمان صنایع دستی ایران آن را چنین تعریف کرده اند: «صنایع دستی به مجموعه ای از «هنر-صنعت»ها اطلاق می شود که عمدتاً با استفاده از مواد اولیه ی بومی و انجام قسمتی از مراحل اساسی تولید، به کمک دست و ابزار دستی موجب تهیه و ساخت محصولاتی می شود که در هر واحد آن، ذوق هنری و خلاقیت فکری صنعتگر سازنده به نحوی تجلی یافته و همین عامل وجه تمایز اصلی این گونه محصولات از مصنوعات مشابه ماشینی و کارخانه ای است» (باوری و نورماه، ۱۳۸۴).

تعریف جامع تر آن مبنی بر این که «صنایع دستی: کارهای تولیدی صنایع دستی با استفاده از آلات و ابزارهای ساده (مثلاً قالی بافی، سفالگری، سوزن دوزی، خاتم کاری و غیره) و نیز، کالاهایی که بدین گونه و طبق یک طرح ساخته می شود. اغلب آثار هنرهای سنتی و هنرهای تزئینی را می توان در این زمره به شمار آورد.» (پاکباز، ۱۳۷۸، ص ۳۴۳) در دایره المعارف هنر ارائه شده است.

در تقسیم بندی دیگری، هنر به طور عمده به دو گروه محض و کاربردی تفکیک شده است و شاخص ترین هنر کاربردی یعنی هنری که علاوه بر دارا بودن زیبایی وارسته و مفهومی می تواند سودمندی مشخص و کاربردی معین داشته باشد، صنایع دستی یا به عبارت دقیق تر هنرهای صناعی است؛ که اشاعه دهنده ی فرهنگ معنوی و عامه، حاصل از معرفت شهودی و جاری بودن در متن زندگی افراد اجتماع است.

ویژگی های صنایع دستی

با توجه به تعاریف فوق و سایر تعاریفی که برای صنایع دستی ارایه شده است، می توان ویژگی های زیر را برای صنایع دستی قایل شد:

- ۱- انجام قسمتی از مراحل اساسی تولید، توسط دست و ابزار و وسایل ساده ی دستی.
- ۲- عدم نیاز به کارشناس و متخصصان خارجی
- ۳- عدم تشابه فراورده های تولیدی با یکدیگر.
- ۴- حضور مؤثر و خلاق انسان در تولید و شکل بخشیدن به محصولات ساخته شده و امکان ایجاد تنوع و پیاده کردن طرح های مختلف.
- ۵- تأمین قسمت عمده ی مواد اولیه ی مصرفی از منابع داخلی.
- ۶- داشتن بار فرهنگی (استفاده از نگاره های اصیل، بومی و سنتی).
- ۷- عدم نیاز به سرمایه گذاری زیاد در مقایسه با سایر صناعت ها.
- ۸- قابلیت ایجاد و توسعه در مناطق مختلف (شهر، روستا و حتی در جوامع عشایری).
- ۹- قابلیت انتقال تجربیات، رموز و فنون تولیدی، به صورت سینه به سینه و یا مطابق روش استاد - شاگردی و آموزش های مدون و دوره های آکادمیک و دانشگاهی.
- ۱۰- استفاده از مواد با منشاء طبیعی و رنگرزی به وسیله ی مواد ملونه طبیعی و رنگ دانه ها (یاوری و نورماه، ۱۳۸۴).

اهمیت صنایع دستی

هر چند صنایع دستی در حقیقت پس از انقلاب صنعتی و تسلط ماشین بر کلیه ابعاد زندگی بشر تقریباً به فراموشی سپرده شد. ولی بعد از جنگ جهانی دوم در بسیاری از کشورهای تازه استقلال یافته به عنوان هسته اولیه شکل گیری اقتصاد ملی و عامل عمده تامین خود کفایی قرار گرفت اما در ایران به علت تکیه اقتصاد به نفت، تنها در چهارچوب فعالیت مکمل در اقتصاد روستایی مورد توجه بود و حال که دیگر به دلیل پاره مشکلات در معرض فراموشی قرار گرفته است. (سایت صنایع دستی استان ایلام).

صنایع دستی هر چند در گذشته در کنار دامداری و کشاورزی به عنوان غنی کننده ی ایام فراغت و پاسخ به ذوق هنری و مصرف خانوار مطرح بوده، اما امروزه به عنوان یک ضرورت اقتصادی و اجتماعی مطرح است. پرداختن به صنایع

دستی به لحاظ تکیه بر عوامل تولید محلی، دانش بومی، درآمد زایی و افزایش سطح رفاه و کمک به معیشت خانوارها دارای اهمیت ویژه است.

صنایع دستی همچنین بخشی از سرمایه‌ی ملی و فرهنگی هر مرز و بوم است که بایستی ضمن تلاش برای ثبت این دانش کاملاً سازگار شده با شرایط بومیان هر زیستگاه، در جهت امروزی کردن و تلفیق آن با دانش رسمی گام‌های اساسی برداشته شود. خاصه این که برخی از مردم شناسان شهیر نظیر فرهادی (۱۳۷۸) بر از دست رفتن دانش و فناوری‌های بومی بیم بسیار دارند آنجا که می‌نویسند: «بر مردم نگاران و مردم شناسان نسل ماست که تا خیلی دیر نشده قهرمانانه و ایثارگرانه بکوشند با هفت کفش آهنین از هفت خوان دشواری سود و سفارش چنین پژوهش‌هایی گذر کرده آخرین بازمانده و یادمانه‌ی های دانش و فناوری‌های جامعه و فرهنگ تولیدی گذشته را که چون آفتاب تموز در حال ناپدید شدن هستند مستند و جاویدان کنند. دانش و فن آوری‌های جامعه‌ی بومی ما در زمینه‌های مختلف و به ویژه تولید شگفت انگیز و ناشناخته اند. شناسایی ما از چنین دانش‌ها و فناوری‌هایی اگر کمتر از یک به هزار نباشد بیشتر نیست.»

صنایع دستی بخشی از گردشگری است که در همه‌ی مناطق ایران وجود دارد. در گستره‌ی جهانی شدن، صنایع دستی می‌تواند با ایجاد رابطه‌ی پویا و خلاق بین طبیعت، انسان، فرهنگ و دانش یک منطقه با گردشگران، جریان جدیدی را در آینده برای توریسم و توسعه‌ی پایدار فراهم کند. صنایع دستی، گزارشگر صنعت و هنر نیاکان و بیانگر هنر و ذوق مردم هر کشور است و می‌توان آن را جلوگاه آفرینش هنری مردم یک مرز بوم و ذوق و سلیقه معاصران دانست. در عین حال می‌توان جنبه‌ها و جهات دیگری را که مربوط به زندگی روزمره و حیات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور است در آن باز یافت و نهایتاً صنایع دستی گزارشی از هویت افراد و در مجموع هویت مجموعه‌ی یک قوم و قبیله و در نهایت یک ملت و حلقه واسط و رابطه بین هویت گذشته و هویت کنونی اقوام است. بنابراین هر کدام از اقوام سعی می‌نمایند که با نشان دادن عواطف و احساسات خود با ظرافت، دقت، لطف، صفا و مهر هنر خود را به تصویر بکشاند.

ضرورت توسعه‌ی صنایع دستی

در دنیای رو به پیشرفت، روز به روز بیش از گذشته سنت‌ها، اصالت‌ها و صنایع دستی و به طور کلی هنر سنتی که روزگاری زندگی انسان‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده بود به دست فراموشی سپرده می‌شود. برگزاری و اجرای سنت‌ها و تولید صنایع دستی به شکلی بسیار کم رنگ نسبت به گذشته صورت می‌گیرد. توجه به هنرهای سنتی و صنایع دستی در میان ساکنان هر منطقه علاوه بر ضبط و ثبت این میراث برای آیندگان، از لحاظ فرهنگی و اجتماعی نیز حایز اهمیت است و بیان‌کننده تفاوت‌ها یا شباهت‌های فکری و جسمی میان مردان و زنان اقوام مختلف است. صنایع مختلف دستی را می‌توان پیشه‌هایی دانست که افزون بر صفت زایش‌های خلاقانه هنری، کارکردهای فراوان و کاربردی زیادی نیز دارد که امروزه بیشتر در جنبه‌های اقتصادی از آن‌ها بهره می‌گیرند. صنایع دستی می‌تواند دارای اثرات بسیار مثبت اقتصادی و اجتماعی باشد، که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- نقش صنایع دستی در بالا بردن سطح اشتغال،

۲- نقش صنایع دستی در ازدیاد درآمد سرانه،

۳- نقش صنایع دستی در تولید ملی،

۴- نقش صنایع دستی در توسعه گردشگری و مبادلات فرهنگی،

۵- نقش صنایع دستی در پویا نگه داشتن خلق هنری در بین هنرمندان و سازندگان در مناطق مختلف ایران.

صنایع دستی به لحاظ دارا بودن خصوصیات ذیل جزو هنرهایی اصیل و قابل تامل جهت «پایداری توسعه» و «توسعه ی پایدار» است:

۱- سابقه‌ی تاریخی و فرهنگی ساخت و تولید کالا،

۲- تجربه و تبحر سازنده و استاد کار که معمولاً به صورت ارثی و نسل به نسل منتقل شده است،

۳- عدم نیاز به تجهیزات و ابزار و وسایل پیشرفته،

۴- عدم نیاز به صنایع و مواد اولیه‌ی خارجی،

۵- عدم نیاز به نیروی متخصص خارجی،

۶- عدم نیاز به سرمایه گذاری زیاد،

۷- امکان تولید در خانه و کارگاه،

۸- امکان ایجاد اشتغال پایدار

۹- در جوامعی نظیر جوامع عشایری و روستایی، به ویژه از این منظر که صنایع دستی می تواند در مواقع بحرانی نظیر خشکسالی ها منبع درآمدی برای کوچندگان محسوب شده و موجب کاهش فشار بر مرتع و ایجاد درآمد شود، قابل توجه است (پاپ زن و افشارزاده، ۱۳۹۰).

با توجه به آنچه آمد، اگر کاربرد صنایع دستی به درستی مشخص شود، صنایع دستی در جوامع امروزی نیز می تواند کارآمد باشد. از این منظر جامعه‌ی سنتی و مدرن نه تنها با هم در تناقض نیست، بلکه ارزش‌های متعالی جامعه سنتی باید به جامعه مدرن اضافه شود.

نتیجه گیری:

پژوهش در زمینه صنایع دستی و اساساً موضوعاتی که به اصالت، فرهنگ و هویت ایران زمین مرتبط است، ضرورتی غیر قابل انکار است، که زیرساخت «توسعه‌ی پایدار»، «توسعه‌ی فرهنگی» است و نمی توان گمان برد بتوان، بدون شناخت فرهنگ در جهت توسعه‌اش گامی برداشت. افزون بر این «خاستگاه هنر سنتی به جهت نامیرا و جاودان بودنش با مدرنیسم در تضاد نیست. بدین واسطه می توان از ویژگی‌ها یا عناصر سنتی بهره گرفت و به شکل و زیان نوین و امروزی از آن‌ها استفاده کرد» (بیگی، ۱۳۸۷)، پس جای آن دارد که این هنرها به درستی شناخته شود تا بتوان از کمرنگ شدن یا از بین رفتن آن جلوگیری کرد و از جنبه‌های مهم این هنرها در هنر معاصر بهره‌برداری کرد.

صنایع دستی ایران، به عنوان صنعتی مستقل و بومی، شاخص‌ترین هنر کاربردی ایران و یکی از قطب‌های برتر صنایع دستی جهان، ریشه‌های عمیق و استوار در فرهنگ غنی و بارور ایران اسلامی داشته است. بررسی های پژوهشگران و ایران شناسان نامداری همچون «پروفیسور پوپ»، «گیرشمن»، «هانری رنه دالمانی»، «اشمید» و... و تحلیل های آنان از صنایع دستی ایران بیانگر ارزش و جایگاه خاص این هنر و صنعت اصیل و ارزنده کشورمان است.

منابع:

- ۱- بیگی، م. (۱۳۸۷). بررسی و مقایسه هنرهای دستی عشایر ایل کلهر شهرستان گیلانغرب. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
- ۲- پاکباز، ر. (۱۳۷۸). «دایره المعارف هنر (نقاشی، بیکره سازی، گرافیک)» انتشارات فرهنگ معاصر، تهران چاپ اول.
- ۳- پاپ زن، ع و افشارزاده، نشمیل. (۱۳۹۰). طرح پژوهشی بافت های سنتی عشایر ایل کلهر. اداره کل صنایع دستی و گردشگری.
- ۴- پاپ زن، ع، بیگی، م و افشارزاده، نشمیل. (۱۳۹۰). دستا فریده های بومی ایل کلهر. انتشارات دانشگاه رازی. زیر چاپ
- ۵- فرهادی، مرتضی (۱۳۷۸) مردم نگاری دانش ها و فناوری های سنتی نان شب مردم نگاران ایران. نمایه پژوهش، شماره ۱۱ و ۱۲، پاییز و زمستان.
- ۶- سایت سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام. <http://ilam.miras.ir/>

